

نگاهی دوباره به یک واقعه تاریخی

کودتای نوژه چگونه لو رفت؟



کودتای نوژه

هم در یک جلسه توجیهی، در دوران عضویت در بسیج دانشجویی، یک سخنران لو رفتن آن را یک امداد غیبی اعلام کرد و در شرح ماجرا گفت که وقتی ماموران کمیته برای بازرسی منزلی رفته بودند، سگ نگهبان یکی از ماموران را ترساند و مامور به انباری خانه پناه برد که دید آنجا کلی اسلحه انبار شده است!

اما روایت حجت الاسلام و المسلمین سید هادی خسرو شاهی، که بعد از انقلاب نماینده رهبری انقلاب در وزارت ارشاد بوده جدای از این که با روایت های مرتبط با عذاب وجدان 'یک خلبان' نمی خواند، با برخی ادعاهای قبلی در مورد نقش حزب توده در لو دادن کودتا همخوانی دارد. این روایت در شماره اخیر مجله اندیشه پویا (شماره ۱۱) چاپ شده طبق آنچه در یادداشت آقای سید هادی خسروشاهی آمده، حزب توده از طریق وی برخی گزارش ها را به مقامات نظام تازه تأسیس منتقل می کرده است؛ از آن جمله برنامه رفت و آمد عناصر سلطنت طلب و محل سکونت آنها با رسم کروکی!

تصویر چند گزارش دست نویس هم چاپ شده است. خسروشاهی می گوید که برخی را برای دادستان انقلاب (شهید قدوسی) می فرستاده، برخی را هم به دلیل اهمیت، خود شخصا تحویل مرحوم حاج احمد آقا می داده.

خسروشاهی یکی از موارد بسیار مهمی را که حزب توده گزارش می دهد، گزارش برنامه ریزی برای کودتای نوژه عنوان کرده و نوشته: آقای کیانوری به دفتر من آمد و گزارش و تاریخ و محل اجتماع افسران در پارک لاله، بمباران جماران و غیره را به من داد. من باز



تیرماه سال ۵۹، حدود ۷۵ روز قبل از حمله همه جانبه عراق به ایران، کودتای نوژه قبل از این که وارد فاز اجرا شود، لو رفت. در پی آن بسیاری از عوامل آن بازداشت،

محاکمه و ۱۲ تن از آنان، به جوخه اعدام سپرده شدند(۱).

در این که این کودتا چگونه لو رفت، روایت های متنوعی وجود دارد. روایت رسمی، که بر اساس آن فیلم سینمایی رابطه پنهانی توسط جهانگیر جهانگیری در سال ۱۳۷۱ ساخته شد، مدعی است یکی از خلبانهای دخیل در اجرای نقشه کودتا دچار عذاب وجدان می شود و در نهایت کودتا را ساعتی قبل از شروع به مقامات لو می دهد. چند سال قبل هم در یک برنامه زنده تلویزیونی صدای آمریکا، یک مصاحبه شونده، یکی از عوامل رده بالای کودتا را که مدعی بود خود بعدها به دلال اسلحه برای جمهوری اسلامی در طول جنگ تبدیل شد، عامل لو دادن کودتا معرفی کرد (اگر درست به خاطر داشته باشم از 'منوچهر قربانی' فرنام برد). یک بار

(از جمله اعتراف به جاسوسی برای شوروی). اولین برنامه از این سری برنامه ها اردیبهشت ماه ۱۳۶۲ و با حضور کیانوری و همچنین به آذین برگزار شد. کیانوری، تکیده و درهم شکسته، اظهار داشت که حزب توده از آغاز تأسیس در ۱۳۳۰ تا به حال، ابزاری برای جاسوسی و خیانت بوده است. هشت عضو دیگر کمیته مرکزی از جمله محمدعلی عمویی زندانی سیاسی مشهور که ۲۴ سال را در زندان حکومت پهلوی گذرانده بود، نیز در برنامه های بعدی بر پرده تلویزیون ظاهر شدند و به نفی خود و اعترافات مشابه پرداختند. در میانه بازجویی ها تقی کی منش و ۱۳ تن دیگر از اعضای حزب درگذشتند و از این رو در میزگردهای تلویزیونی دیده نشدند.

هم باور نکردم اما کیانوری اصرار داشت که این خبر جدی و حتمی است. کیانوری گفت: بانویی که قرار است اعلامیه پیروزی کودتا را بخواند، عضو حزب ماست و این اطلاعات کامل و دقیق است. من بلافاصله به جای دفتر شهید قدوسی، به بیت امام رقتم و کپی گزارش را به احمد آقا دادم که نخست ایشان باور نکرد. مرحوم اشراقی که در بیرونی حضور داشت با لحن تندی به من گفت: شما هم هر مزخرفی را که اینها می گویند باور می کنید؟ من هم با ناراحتی گفتم: جناب اشراقی! من اطلاعی را که به دستم رسیده به احمد آقا دادم و در درستی و اشتباه بودن آن نظری ندارم اینها می گویند که قطعی است و محل و تاریخ آن را هم نوشته اند. ان شالله که دروغ باشد! وقتی کودتا کشف و خنثی شد آقای اشراقی به دفتر من در وزارت ارشاد آمد. با من ملاقات کرد و رسماً به خاطر عصبانیتی که ابراز کرده بود عذرخواست.

آقای خسروشاهی در همین یادداشت اعلام کرده که حزب توده از معرفی آن بانویی که قرار بود اعلامیه پیروزی کودتا را قرائت کند بارها خودداری می کند. دادستانی خواستار تکمیل پرونده بود. در نهایت کیانوری اعلام می کند که وی از کشور خارج شده و مقیم آلمان است و قصد مراجعت هم ندارد.

از نکات جالب تاریخ انقلاب این که حزب توده با وجود حمایت از انقلاب در مقاطعی حساس از جمله در کودتای نوژه و جنگ ایران و عراق، اواخر سال ۱۳۶۱ و سال ۱۳۶۲ بسیاری از رهبران، اعضا و هواداران خود را به بهانه طرح کودتا دستگیر شده دید! چند ماه بعد در اعترافات تلویزیونی ضبط شده عده ای از رهبران اعترافاتی کردند